عنوان:

بررسی استطاعت در حج از منظر شهیدین

محمدحمزه لو[[1]](#footnote-1)

# چکیده

در ابتدای این مقاله که به بررسی استطاعت در حج از منظر شهیدین اول و ثانی می باشد به بررسی لغوی استطاعت پرداختیم و در ادامه در دو فصل مجزا اراء شهیدین را مو کاوی کردیم تا به یک نتیجه کلی برسیم همچنین به بررسی اراء دو شهید در مورد صبی مجنون و عبد نیز پرداخته شده است که بسیار شبیه هم می باشد و در اخر به یک جمع بندی کلی از استطاعت از منظر این دو رسیدیم.

**کلید واژه:** صبیّ، استطاعت ، شهیداوّل، شهیدثانی، حج، لغت

#

# مقدمه

حج که از واجبات دین مبین اسلام می باشد مانند تمام احکام این شریعت الهی که مقدماتی دارند این واجب دینی نیز از از این امر مستثنا نمی باشد و برای این که محقق شود باید مقدمات هشت گانه ای که برای وجوب این امر لازم می باشد باید محقق شود و یکی از این موارد استطاعت می باشد که اگر فرد مستطیع نباشد حج بر او واجب نمی شود که در این مقاله به ان از منظر شهیدین اول و ثانی(رحمه الله علیهما)خواهیم پرداخت وان را از وجوه مختلف مورد بررسی قرار میدهیم.

این بحث از قدیم یکی از بحث های اختلافی بوده است ودر به ان در علوم مختلفی پرداخته شده است در علم لغت که در اول مقاله اندکی به ان پرداخته می شود و درعلم اصول که علما ان رشته به ان پرداخته اند و درعلم فقه که ما در این مقاله بحث استطاعت را از منظر دو تن از بزرگان این علم یعنی شهیدین اول و ثانی(رحمه الله علیهما) بررسی می کنیم.

حج به عنوان یک فریضه که از قبل اسلام در زمان حضرت ابراهیم(ع) و حتی بعد از ایشان در زمان جاهلیت نیز بوده است و به عنوان یک فریضه بسیار مهم قلمداد می شد کما این که چنین نیز هست اما بعد از ظهور اسلام در جزیره العرب افرادی که به این دین اسمانی گرویدند لابد باید احکام را باید طبق نظر و شیوه اسلام انجام دهند چرا که اسلام برای انجام اعمال پاره ای از شرایط را قرار داده است که حج از این احکام متثنی نمی باشد و این فریضه بسیار مهم یک شرایطی دارد که قبل از مسافرت به مکه انجام فرایض است و پاره ای حین انجام مناسک می باشد استطاعت شرطی است که قبل از فریضه حج می باشد و به سبب همین شرط است که فریضه حج بر فرد مسلمانن واجب می شود چرا اگر قرد فاقد این شرط باشد دیگر بجا اوردن حج بر او واجب نیست و چنان چه عمل را انجام دهد معصیت مرتکب گشته است .بحث استطاعت را از ابواب مختلفی بررسیکرده اند از قبیل اصولی و فقهی که مراد ما در اینجا مباحث فقهی این غرع فقهی می باشد.

در این مقاله برانیم که بحث استطاعت را از منظر دو تن از فقهای متاخر و تراث تشیع شهید اول و شهید ثانی بررسی کنیم چرا که فهم تراث ما را در فهم کامل معانی ان باب کمک شایانی می کند و باعث رشد و تعالی دانش پژوه می گردد و سوال اصلی که ما در صدد جواب به ان هستیم این است که استطاعت در کلام شهیدین به چه معنا است؟و برداشت شهیدین از استطاعت چه چیزی می باشد؟

در این مقاله ابتدا به معنا شناسی استطاعت درکتب لغت پرداخته خواهد شد سپس در دو فصل به نظرات شهیدین(ره)پرداخته می شود و در اخر تلاش خود را خواهیم کرد تا به یک جمع بندی ججامع و مانع از ارائ این دو فقه عالی مقام برسیم لازم به ذکر است که با توجه به ظهور پدیده شوم ویروس کرونا و کمک رسانی نویسنده ان به هم وطنان عزیز این مقاله شاید دارای نواقصی باشد که از اساتید محترم استدعا دارم که کمال عطوفت را به خرج دهند.

# بررسی معنای استطاعت در کتب لغت

## بررسی ریشه استطاعت

در ابتدای امر به بررسی ریشه کلمه استطاعت می پردازیم که در کتاب العین ریشه ان را {طوع} بیان می کند و می فرمایند که استطاعت از مشتقات طوع می باشد. اشتقت الاستطاعة من‏ الطوع‏(خلیل ابن احمد،فراهیدی،1409 ه ق،العین) این فعل از افعال ثلاثی مزید بوده که ریشه ان طاع یطیع طوعا می باشد و مصدر ان نیز طائع خواهد بود و به باب استفعال رفته است همان طور که می دانیم معنای غالبی این باب طلب انجام یک کاری را کردن می باشد که درد راینجا طلب طوع خواهد بود که در بخش بعدی به معنای استطاعت و طوع پرداخته می شود.

## بررسی معنای استطاعت و طوع

طوع در لغت عرب همان گونه که در قران نیز این کلمه امده است قول اللَّه جلّ و عزّ: (و من‏ يطّوّع‏ خيرا) [البَقَرَة: 158] (فَطَوَّعَتْ‏ لَهُ نَفْسُهُ قَتْلَ أَخِيهِ)‏ [المَائدة: 30] و برداشتی که از ایه می شود از ایه در وهله اول ین است که طوع باید به معنای اماده سازی یا اماده کردن باشد اما بهتر است این مطلب را از لسان اهل لغت ببینیم تا بدانیم این بزرگان جه معنایی برای این کلمه در نظر دارند.

مدنی در کتاب طراز الاول برای استطاعت قدرت انجام را ذکر می کند و می گوید که بالضَّمِّ، أَي قُدرَتُهُ و استطاعَتُهُ‏، و لا ينافيه‏(مدنی،علی محمد خان،1384ه ش،الطراز الاول،ج5،ص305)البته اگر استطاعت مضموم باشد این معنای به خصوص که توانایی و قدرت است را دارا می شود.وراغب در مفردات خود برا استطاعت همان ریشه را برای ان بیان می کنند و ان را اسمی برای این که انسان اراده خود را به وسیله ان بیان می کند معنا می کند و میگوید: استطاعت از طوع است يعنى توانائى، و آن چيزى است كه وجود حالات فعل را به‏ وقوع مى‏رساند و فعل و كار هم از استطاعت‏ و توانائى صادر مى‏شود و در نظر محقّقين، يا پژوهشگران استطاعة اسمى است براى معانى و مفاهيمى كه انسان به وسيله آن اراده خود را از ايجاد فعل ممكن مى‏سازد و بر آنچه مى‏خواهد قادر مى‏شود.(راغب اصفهانی،حسین ابن محمد،1374ه ش،مفردات راغب،ج2،ص513)

نتیجه: با توجه به مطالب گذشته همان طور که بیان شد ریشه کلمه استطاعت را (طوع)می دانند که (طاع،یطیع،طوع،از مصدر طائع)می باشد و معنای استطاعت نیز مفهومی شد که انسان به وسیله اراده خود رااز ایجاد فعل محقق می سازد شد. حال که ریشه و معنای لغوی استطاعت را فهمیدیم به بخش بعد اراء و نظرات شهید اول در باب استطاعت می پردازیم تا زاویه های پنهان ان برایمان از منظر این شهید سعید بپردازیم.

# استطاعت در حج از منظر شهید اوّل

در این فصل استطاعت در حج را از منظر شهید اول(ره)بررسی خواهیم کرد و انواع مختلف استطعات افراد را که استطاعت فرد حر،عبد،صبی،فرد غیر بالغ وزن می پردازیم که ابتدا برانیم که معنایی که شهید اول ان را اتخاذ کرده اند و زیر بنای احکام و اراء صادره از این فقه سعید بر اساس ان می باشد را از کتب فقهی ایشان من جمله لمعه ،دروس،البیان و... انشاءالله جمع بندی می کنیم سپس احکام حج افراد منظور را بررسی و در پایان جمع بندی خواهیم کرد.

## معنای استطاعت از منظر شهید اول

شهید در کتاب لمعه حج را بر هر فردی واجب از زن و مرد وبچه و عبد و ازاد و مجنون و خنثی که مستطیع باشد می دانند و شهید معنای استطاعت را داشتن زاد و توشه سفر و داشتن مرکب برای سفر و توانایی طی مسیر بیان می کنند الزَّادُ وَ الرَّاحِلَةُ وَ التَّمَكُّنُ مِنَ الْمَسِيرِ (عاملی، شهید اول،محمد ابن مکی،1410ه ق،ص 63) که یعنی اگر فردی زاد و توشه راه را نداشته باشد یا مرکب برای سفر حج نتواند تهیه کند و یا به علت کهولت سن یا مریضی توانایی طی مسیر را نداشته باشد بنا به کلام شهید در لمعه فرد استطاعت ندارد و حج براو اجب نیست ،شهید در کتاب دروس خود وجوب حج بر هر فردی را داشتن شروط هشت گانه می دانند که بلوغ و عاقل بودن و حریت و زاد و توشه سفر داشتن و پول و مایحتاج خانه تا برگردد و سالم بودن از امراض ونداشتن ترس از جان و مال و توانستن طی طریق در مدت معین می باشند و هرکسی این شروط را نداشته باشد او استطاعت ندارد و حج بر او واجب نمی شود همان گونه که شهید می فرمایند: حجّ الإسلام فرض على من استكمل شروطا ثمانية من الرجال و النساء و الخناثى.( عاملی، شهید اول،محمد ابن مکی،1407ه ق،ج1،ص315) پ بنا به دو معنای ذکر شده از شهید اول شهید وجوب حج را در وجوب استطاعت منحصر کرد و در ادامه استطاعت را داشتن شروط هشت گانه ذکر کرده و گفتند که اگر کسی یکی از شروط را نداشته باشد حج بر او واجب نیست،شهید در کتاب غایه المراد فی شرح نکت والرشاد استطاعت را تهیه زاد و توشه و مرکب و مایحتاج خانواده تا برود و برگردد بیان کرده و گفته اند و گفه اند هرکس این موارد را بتواند تهیه کند ان فرد استطاعت دارد و حج بر او واجب می شود شهید می فرمایند: من وجد الزاد و الراحلة على نسبة حاله و ما يمون عياله ذاهبا‌ و عائدا فهو مستطيع و إن لم يرجع إلى كفاية على رأي(عاملی، شهید اول،محمد ابن مکی،1414ه ق،ج1،ص372)با تجه به سه کتابی که از شهید ارائه شد و نظرات ان بزرگوار را بیان کردیم شهید ابتدا در کتاب لمعه گفتند استطاعت شرط وجوب حج می باشد و در دروس گفتند که استطاعت داشتن شروط هشت گانه می باشد و در غایه المراد گفتند که استطاعت یعنی تهیه زاد و توشه و مرکب و مایحتاج خانه تا زمانی که برگردد بیان شد با توجه به معانی بالا همان گونه که مشاهده کردید معانی یک هم پوشانی معنایی داشتند و هر تعبیر در وافع مکمل تعبیر دیگر بود د رواقع ان را معنی یا شرح می داد.

حال بعداز انکه معنای استطاعتی که شهید منظئرشان بود دریافتیم به بخش بعدی و احکام افراد مستطیع که ذکر شد می پردازیم.

# بررسی استطاعت افراد مختلف از نظر شهید اول

دراین بخش استطاعت افراد مختلف را بررسی می کنیم از زن و عبد و حر و صبی و مجنون و.. تا بدانیم اگر هرکدام ز این افراد استطاعت یافتند حج بر انها واجب می شود یا نه و اگر به مجرد استطاعت حج بجا بیاورند ایا قبول هست یا نه.

## استطاعت افراد مختلف

### صبیّ

شهید در غایه المراد می فرمانید که حج بر صبی واجب نیست و اگر بجا بیاورد از او پذیرفته نیست و اگر بجا بیاوررد برای او قبل مشعر تمام است و مجزی و باید ولی او بقیه اعمال حج را بجا بیاورد شهی می فرمانید: لا يجب على الصبيّ و المجنون، و لو حجّا أو حجّ عنهما لم يجزئ عن حجّةالإسلام. و لو حجّا ندبا ثمَّ كملا قبل المشعر أجزأ.( عاملى، شهيد اول، محمد بن مكى، غاية المراد في شرح نكت الإرشاد،1414ه ق،ج1،ص371) پس به کلام شهید حج بر صبی واجب نیست حتی اگر استطاعت پیدا بکند.شهید در لمعه بیان می کنند که اگر صبی به حج برود و قبل از هر یکی از موقفات حج به بلوغ برسد حج او صحیح می باشد و نیاز به تکرار نیست.شهید می فرمایند: بَلَغَ الصَّبِيُّ أَوْ أَفَاقَ الْمَجْنُونُ قَبْلَ أَحَدِ الْمَوْقِفَيْنِ صَحَّ وَ أَجْزَأَهُ عَنْ حِجَّةِ الْإِسْلَامِ، وَ يَكْفِي الْبَذْلُ فِي تَحَقُّقِ الْوُجُوبِ وَ لَا يُشْتَرَطُ صِيغَةٌ خَاصَّةٌ.( عاملى، شهيد اول، محمد بن مكى، اللمعة الدمشقية في فقه الإمامية،ص67)شهید در دروس نیز می فرمایند که حج از صبی قبول نیست و اگر بعد از وقوف بالغ شود و وقت باقی باشد دوباره نیت کند که از او قبول و پذیرفته می باشد.شهید می فرمایند: فلا يجب على الصبي، و لا يصحّ منه مباشرته إلّا أن يكون مميّزا و أذن له الولي. و لو بلغ قبل أحد الموقفين صحّ حجّه، و كذا لو فقد التمييز و باشر به الولي فاتّفق البلوغ و العقل، و لو بلغ بعد الوقوف و الوقت باق جدّد النيّة و أجزأ. و الوليّ وليّ المال كالأب و الجدّ و الوصي و وكيل أحدهم و الام على الأقوى.( عاملى، شهيد اول، محمد بن مكى، الدروس الشرعية في فقه الإمامية،1417ه ق،ج1،ص306) بنا به انچه از شهید نقل شد حج از صبی پذیرفته نیست مگر قبل یا بعد از موقف های حج به لوغ برسد و اگر هم انجام داد تا قبل مشعر برای او کفایت می کند.

### مجنون

مجنون نیز در احکام همانند صبی می باشد و حج بر او واجب نیست و اگر هم انجام دهد پذیرفته نمی باشد مگر اینکه مانند صبی قبل یا بعد از موقفی عقل خود را به دست اورد و مانند افراد عادی باشد.

### عبد

شهید در لمعه می فرمایند که شرط صحت حج برای عبد حتی زمانی که استطاعت هم داشته باشد زمانی هست که یا ازاد شود یا با اذن مولی باشد.شهید می فرمایند: يُشْتَرَطُ فِي صحَّتِهِ مِنَ الْعَبْدِ إِذْنُ الْمَوْلَى، وَ شَرْطُ صِحَّةِ النَّدْبِ مِنَ الْمَرْأَةِ إِذْنُ الزَّوْجِ، وَ لَوْ أُعْتِقَ الْعَبْدُ(عاملى، شهيد اول، محمد بن مكى، اللمعة الدمشقية في فقه الإمامية،ص67)

شهید در غایه المراد می فرمایند که حج از عبد پذیرفته نیست تا این که مولی اذن دهد و باید که زمان حضور در مشعر ازاد باشد والا حج از او قبول نیست و قضا بر گردن او هست و حتی هنگام بجا اوردن قضای حج نیز باید قبل از مشعر ازاد شده باشد.شهید می فرمایند: و لو حجّ المملوك بإذن مولاه لم يجزئ عن حجّة الإسلام، إلّا أن يدرك المشعر معتقا، و يتمّ لو أفسده و يقضيه، و يجزئه القضاء إن كان عتقه قبل المشعر، و إلّا فلا.( عاملى، شهيد اول، محمد بن مكى، غاية المراد في شرح نكت الإرشاد،1414ه ق،ج1،ص371)و شهید در دروس نیز همان کلام در لمعه و غایه می باشد با این فرق که در اینجا یک نکت اضافه می کنند و ان این است که اگر مولی اجازه خود را فسق کند اگر قبل از احرام باشد حج او قبول نیست و باید برگردد شهید می فرمایند: فلا يجب على العبد و إن تشبّث بالحرّية، و يصحّ منه المباشرة بإذن المولى، فلو بادر فللمولى فسخه. و لو أذن فله الرجوع قبل التلبّس لا بعده، فلو رجع و لمّا يعلم حتّى أحرم فالأقرب بطلان الرجوع.( عاملى، شهيد اول، محمد بن مكى، الدروس الشرعية في فقه الإمامية،1417ه ق،ج1،ص307)

# بررسی استطاعت افراد مختلف از نظر شهید ثانی

در فصل گذشته اراءشهید اول را در باب استطاعت بررسی کردیم و در این فصل بر انیم تا به بررسی اراء شهید ثانی در باب استطاعت در حج بپردازیم تا به ان برسیم که ایا میان اراء این دو شهید ایا اختلاف هست یا نه و اگر هست در کدام موارد می باشد.

## بررسی معنای استطاعت از منظر شهید ثانی

شهید در روضه همان معنایی که شهید اول بیان کرده اند را قبول و کمی اضافه میکنند و می فرمایند: شرط وجوبه البلوغ، و العقل، و الحرية، و الزاد، و الراحلة بما يناسبه قوة، و ضعفا، لا شرفا، و ضعة فيما تفتقر إلى قطع المسافة و إن سهل المشي و كان معتادا له أو للسؤال و يستثنى له من جملة ماله داره، و ثيابه، و خادمه و دابته، و كتب علمه اللائقة بحاله، كما و كيفا عينا و قيمة و التمكن من المسير بالصحة، و تخلية الطريق، و سعة الوقت (عاملى، شهيد ثانى، زين الدين بن على، الروضة البهية في شرح اللمعة الدمشقية،1410ه ق،ج2،ص162) و در مسالک برای وجوب حج شرایط پنج گانه ذکر میکنند که بلوغ وکمال عقل وحریت وزاد و راحله ومایحتاج خانه تا برگشتن وتوانایی طی طریق می باشد که همان معنای روضه می باشد که در اینجا کمی بیشتر برای ان توضیح می دهند وبنا به ان چه گفته شد شهید تقریبا همان معنای اتخاذی شهید اول را پذیرفته اند و استطاعت را با ان معنای مذکور قبول دارند.

## بررسی استطاعت افراد از منظر شهید ثانی

### صبیّ

شهید بیان می کنند که حج بر صبی واجب نیست و اگر به حج برودبر ولی او واجب است که ان فرد را خودش محرم کند نه به نیابت از انها و شهید می فرمایند: إن أراد الحج به ندبا طفلا كان، أومجنونا، محرما كان الولي، أم محلا، لأنه يجعلهما محرمين بفعله، لا نائبا عنهما.( عاملى، شهيد ثانى، زين الدين بن على، الروضة البهية في شرح اللمعة الدمشقية،1410ه ق،ج2،ص162)در مسالک نیز تعبیری شبیه به این تعبیر دارند که می فرمایند: فلا يجب على الصبي، و لا على المجنون.و لو حجّ الصبي، أو حجّ عنه أو عن المجنون، لم يجز عن حجّة الإسلام. و لو دخل الصبيّ المميّز أو المجنون في الحج ندبا ثمَّ كمل كل واحد منهما و أدرك المشعر أجزأ عن حجة الإسلام على تردد.( عاملى، شهيد ثانى، زين الدين بن على، مسالك الأفهام إلى تنقيح شرائع الإسلام،1413ه ق،ج2،ص127)همانطور که ملاحضه کردید شهید می گویند که حج بر صبی واجب نیست و اگر هم انجام دهد همین که مشعر را درکمجزی برای او می باشد.

### مجنون

مجنون همانند صبی در احکام استطاعت در حج می باشد و همانند او با این نیز برخورد می شود.)

### عبد

در باب عبد نیز شهید می فرمایند که عبد بدون اجازه مولی حجش قبول نمی باشد و می فرمایند: فلا يجب على المملوك و لو أذن له مولاه و لو تكلّفه بإذنه صحّ حجّه، لكن لا يجزيه عن حجّة الإسلام. فإن أدرك الوقوف بالمشعر معتقا أجزأه(عاملى، شهيد ثانى، زين الدين بن على، مسالك الأفهام إلى تنقيح شرائع الإسلام،1413ه ق،ج2،ص127)و در روضه نیز می فرمایند که شرط صحت حج عبد اذن مولی می باشد.

# 4-4. نتیجه نهایی

از بررسی اقوال شهیدین اول و ثانی بدان دست یافتیم که استطاعت یعنی داشتن شرایط خاص برای فرد و بدون ان شرایط نمی شود که حج را بجا اورد و اگر هم بجا اورد حج فرد قبول نمی باشد.و بدان دست یافتیم که شهید اول و ثانی در باب استطاعت دارای یک نظر می باشند و مراد هر دو بزرگوار از استطاعت یک معنای واحد است و همچنین در باب حج صبی و مجنون و عبد نیز نظراتشان بسیار نزدیک هم می باشد.

# منابع

1. عاملى، شهيد اول، محمد بن مكى، البيان، در يك جلد، محقق، قم - ايران، اول، 1412 ه‍ ق
2. عاملى، شهيد اول، محمد بن مكى، الدروس الشرعية في فقه الإمامية، 3 جلد، دفتر انتشارات اسلامى وابسته به جامعه مدرسين حوزه علميه قم، قم - ايران، دوم، 1417 ه‍ ق
3. عاملى، شهيد اول، محمد بن مكى، رسائل الشهيد الأول، در يك جلد، ه‍ ق
4. عاملى، شهيد ثانى، زين الدين بن على، الروضة البهية في شرح اللمعة الدمشقية (المحشّٰى - كلانتر)، 10 جلد، كتابفروشى داورى، قم - ايران، اول، 1410 ه‍ ق
5. عاملى، شهيد ثانى، زين الدين بن على، تمهيد القواعد الأصولية و العربية، در يك جلد، انتشارات دفتر تبليغات اسلامى حوزه علميه قم، قم - ايران، اول، 1416 ه‍ ق
6. عاملى، شهيد ثانى، زين الدين بن على، مسالك الأفهام إلى تنقيح شرائع الإسلام، 15 جلد، مؤسسة المعارف الإسلامية، قم - ايران، اول، 1413 ه‍ ق
1. دانش آموخته مدرسه علمیه علوی، پایه چهارم، سال تحصیلی 1398-99 استاد راهنما: استاد گنجعلی. استاد مشاور: استاد عابدینی [↑](#footnote-ref-1)